

حمایت کیفری از نظام اقتصادی نوین

(تاریخ دریافت ۱۳۹۷/۱۱/۲۲ ، تاریخ تصویب ۱۳۹۸/۰۲/۲۰)

آرزو عامی

چکیده

جرایم اقتصادی در اصطلاح عبارتند از جرایمی که علیه اقتصاد کشور ارتکاب می‌یابند یا به این قصد انجام می‌شوند یا در عمل موجب اختلال در نظام اقتصادی کشور می‌شوند. جرم اقتصادی جرمی نیست که ویژگی اقتصادی داشته باشد، بلکه جرمی است که آثار و تبعات سوء اقتصادی داشته باشد. اقتصاد در زندگی افراد جامعه، نقش بی‌بدیلی را ایفا می‌کند و به دلیل برخورد مستقیم با زندگی مردم، اساسی بوده و به هیچ عنوان نمی‌توان آن را نادیده گرفت؛ به نحوی که به نقل از معصومین، نابسامانی در حوزه اقتصاد نه تنها باعث اختلال در حوزه‌های دیگر زندگی می‌شود بلکه دین و معاد انسان را نیز تحت تأثیر خود قرار می‌دهد. فساد اقتصادی به متمرکز کردن ثروت‌ها گرایش دارد و نه فقط شکاف میان غنی و فقیر را افزایش می‌دهد که برای مرفهان، ابزارهای نامشروع حفاظت از موقعیت و منافعشان را تأمین می‌کند. فساد اقتصادی شرایطی را فراهم می‌نماید که در سایه آن، دیگر انواع جرایم تسهیل می‌یابند. بدون شک برقراری و حفظ نظم اقتصادی در گرو مبارزه با اختلال‌گران در نظام اقتصادی و مجرمین اقتصادی است. مبارزه با جرایم اقتصادی هم موجب برقراری نظم اقتصادی می‌شود و هم از آثار و تبعات مضر اختلال در اقتصاد کشور جلوگیری می‌کند. عوامل متعددی موجب اهمیت جرایم اقتصادی شده است. شرایط رشد اقتصادی کشور، برنامه‌های توسعه بخشی، حساسیت افکار عمومی، توسعه فناوری اطلاعات و ارتباطات، تأثیر جرایم اقتصادی بر رقابت پذیری اقتصاد، مطالبات مقام معظم رهبری الزامات سند چشم‌انداز و قوانین برنامه‌ای؛ همه و همه از جمله عواملی هستند که اهمیت برخورد با جرایم اقتصادی را افزایش داده‌اند.

۱۲۹

فصلنامه مطالعات نوین بانکی - دوره دوم، شماره دوم، بهار ۱۳۹۸



واژگان کلیدی: نظام اقتصادی، جرایم اقتصادی، ربا، اختلاس، بانک و بانکداری، ربا



بخش اول: کلیات

مفاسد اقتصادی به آن دسته از جرائم علیه تمامیت اموال عمومی و دولتی گفته می شود که باعث ایجاد اختلال در نظام اقتصادی کشور در سطح کلان می گردد و با خارج ساختن امور اقتصادی از مجرای صحیح و سالم خود، منجر به دارا شدن غیرعادلانه و تحصیل ثروت های کلان توسط عده قلیلی از اشخاص یا مقاماتی که به واسطه بهره مندی و بعضاً بهره مندی از قدرت سیاسی یا ارتباط با مقامات سیاسی و نیز با سوء استفاده از منابع اطلاعاتی و سیاسی و اقتصادی و طرق مختلف دیگر دارای امکان و موقعیت تحصیل ثروت نامشروع از اموال عمومی یا دولتی یا از فرصت های غیرقانونی و تبعیض آمیز می باشد. در ایران جرایم اقتصادی در این قوانین احصاء می شود: قانون مجازات اخلال گران نظام اقتصادی کشور، قانون نحوه اجرای اصل ۴۹ قانون اساسی، قانون ممنوعیت اخذ پورسانت در معاملات خارجی، قانون مجازات تبانی در معاملات دولتی، مقررات جزایی قانون دیوان محاسبات، قانون تشدید مجازات مرتکبین ارتشاء و اختلاس (مصوب ۷۵)، قانون تشدید مجازات جا علین اسکناس و وارد کنندگان و توزیع کنندگان و مصرف کنندگان اسکناس مجعول، قانون مجازات مرتکبین قاچاق، قانون تعزیرات حکومتی و نهایتاً مواد ۵۸۸ تا ۵۹۷ قانون مجازات اسلامی (مصوب ۷۵) قوانین احصاء کننده جرایم اقتصادی می باشند. با نگاهی اجمالی به مفاد قوانین حقوقی به راحتی می توان دریافت که در حال حاضر، برخی مفاسد اقتصادی حاضر نظیر استفاده از رانت های اطلاعاتی و پول شویی و امثالهم با قوانین جزایی موجود قابل تعقیب کیفی نیستند و این امر با توجه به اصل حقوقی قانونی بودن جرم و مجازات «دست مردان قضا را در برخورد با مفسدان اقتصادی بسته است از این رو به نظر می رسد که قوه مقننه باید هرچه سریع تر با توجه به مقتضیات روز، قوانین جزایی جامعی را برای برخورد با مفسدین اقتصادی در موارد خلأهای قانونی به تصویب برساند. از دیگر دلایل حقوقی گسترش مفاسد اقتصادی در ایران این است که قوه قضاییه به قوانین متروک یا اصول و قوانینی که در جهت مبارزه با مفاسد اقتصادی به طور ناقص اجرا شده توجهی ندارد. از جمله این قوانین می توان به قانون نحوه اجرای اصل ۴۹

قانون اساسی کشور (مصوب ۱۳۶۳)، اصل ۴۲ قانون اساسی و همچنین قانون مجازات اخلاطگران در نظام اقتصادی کشور (مصوب ۱۳۶۹) اشاره کرد. در ایالات متحده آمریکا مانند ایران، فساد مالی مانند معاملات، به دو عامل فروشنده و خریدار نیاز دارد. برای مثال، خریدار بخش خصوصی برای کسب امتیاز به فروشنده بخش دولتی رشوه می دهد. رشوه یا برای کسب امتیازی کاملاً قانونی در نظام اقتصادی - هر چند نادر - مانند دستیابی به ارز، مجوز واردات، اعتبارات مالی یا قراردادهای دولتی مورد استفاده قرار می گیرد، یا امکاناتی در اختیار خریدار قرار می دهد که شایسته آن نیست، مانند چشم پوشی از یک قانون معتبر، فرار از پرداخت مالیات یا کسب مجوز یا انجام داد و ستد غیر قانونی؛ یا ممکن است به منظور ترغیب مقام های دولتی به آزار و تحقیق در امور تجاری رقبا پرداخت شود. وجه مشترک در همه این موارد در ایالات متحده و ایران، وجود شخصی با اختیار توزیع امتیازی نادر است که شیوه دیگری را غیر از تمایل رشوه برای گزینش افراد ذی نفع به کار نمی بندد. ایالات متحده آمریکا اقتصاد کاپتالیستی از نوع سرمایه داری انحصاری دارد. ویژگی بارز نظام اقتصادی ایالات متحده آمریکا عبارتست از تسلط انحصارها در رشته های مختلف، که بر مبنای منابع طبیعی فراوان، زیربنای توسعه یافته، تولید انبوه، و مصرف زیاد استوار است. خریداران و فروشندگان فاسد غالباً سیستم هایی به وجود آورده اند که باعث تحکیم و ثبات طرفین شده، نه تنها در پنهان کردن پرداخت رشوه و مدیریت وجوه غیر قانونی کارایی بسیار زیادی دارد، بلکه می تواند بر نوع خدمات و قراردادهای ارایه شده از سوی دولت نیز تأثیرگذار باشد. بنابراین موارد مذکور زیر را می توان در ایران بعنوان راهکارهای مفیدی ارائه نمود:

۱- استمرار و تحول مناسب جهت تحقق فرمان هشت ماده ای مقام معظم رهبری به عنوان راهگشای دائمی در امر مبارزه با فساد

۲- ایجاد بانک ملی اطلاعات مناقصات تا تمامی عملیات مالی دولت در یک سایت به صورت شفاف برای همه قابل دسترسی باشد که این کار می تواند جلوی رانت اطلاعاتی را بگیرد.



- ۳- تاکید بر استمرار فعالیت‌های شورای دستگاه‌های نظارتی و ارائه الگوهای مناسب نظارتی و هدایتی به دستگاه‌های اجرایی
- ۴- ایجاد بستر فرهنگی و اجتماعی لازم جهت تحقق نظارت عمومی در دستگاه‌های اداری و اجرایی کشور با عنایت به اصل اساسی امر به معروف و نهی از منکر
- ۵- اجرای دقیق قوانین در راستای مبارزه با فساد
- ۶- اصلاح فرآیندها و ساختارهای فسادزا
- ۷- نقش فرهنگ‌سازی در مبارزه با فساد
- ۸- اقدامات پیشگیرانه در مبارزه با فساد
- ۹- حمایت از استقلال و اقدامات دستگاه‌های نظارتی و قوه قضائیه

بخش دوم: مجازات‌ها در جرایم اقتصادی

مجازات‌ها بیشتر به صورت جریمه‌ی نقدی و مجازات مالی، ضبط و مصادره‌ی اموال پیش‌بینی می‌شود. علت مالی بودن مجازات‌ها نیز این است که معمولاً مرتکبان این جرایم به دنبال سود و درآمد اقتصادی‌اند. مثلاً در جرایم تعزیرات حکومتی ارقام جریمه به ۲۰ میلیارد تومان می‌رسد. البته در کنار آن محرومیت از حقوق اجتماعی هم وجود دارد. مثل تعطیلی موقت، محرومیت از شرکت در مناقصه و ...

جرم‌شناسی اقتصادی یعنی «مطالعه‌ی علل ارتکاب جرایم اقتصادی و مطالعه‌ی شخصیت مرتکب جرم اقتصادی.» و به تفصیل یعنی جرم‌شناسی تطهیر و ... که به مطالعه‌ی یک جرم اقتصادی به طور خاص و علل ارتکاب آن می‌پردازیم. جرائم اقتصادی که قدمتی به درازای تاریخ بشر دارد، همواره به عنوان یکی از مهمترین عوامل مختل‌کننده امنیت اقتصادی و برهم‌زننده آسایش عمومی جامعه به شمار می‌آید. از همین رو برای مبارزه با آن عمدتاً از سیاست سرکوبگرانه استفاده شده است؛ اما مطالعات انجام گرفته و تجربیات به دست آمده، نشان داده

است که اتخاذ این نوع سیاست به تنهایی کارآمدی لازم را ندارد، بلکه بایستی در کنار آن از سیاست پیشگیرانه نیز استفاده شود. از آنجایی که تعالیم روح بخش اسلام عنایت ویژه‌ی به سیاست پیشگیرانه دارد، برای جلوگیری از وقوع جرائم اقتصادی، راهکارهای تربیتی متعددی را ارائه نموده است که اتخاذ این گونه راهبردها نقش مهمی در پیشگیری از وقوع اینگونه جرائم خواهد داشت. بدون تردید انسان به تنهایی توان برآوردن تمام نیازها و رفع همه مایحتاج خویش را ندارد؛ چرا که فرصت و توانایی او محدود اما خواسته‌ها و نیازمندی‌های او بی‌شمار است، وجود همین نیازهای متعدد و نیز عوامل دیگر موجب شده است که انسان به زندگی مدنی و اجتماعی روی بیاورد. حقوق جزای اختصاصی که خود یکی از شعب حقوق جزا به شمار می‌آید، به دلیل تنوع و گستردگی دامنه جرایم، به بخش‌های مختلف تقسیم بندی شده است که یکی از مهمترین زیرشاخه‌های آن، جرایم علیه اموال و مالکیت می‌باشد و وجه مشترک اینگونه جرایم آن است که همه آنها مشتمل بر نقض حقوق مالکانه اشخاص می‌باشند. با توجه به مطلب فوق، می‌توان گفت که منظور از جرائم اقتصادی عبارت است از آن دسته جرائمی که به نوعی به پایمال نمودن حقوق مالی اشخاص منتهی می‌شوند که اهم این جرایم عبارتند از کلاهبرداری، خیانت در امانت، سرقت، اختلاس، خودداری از پرداخت بدهی و

شاید به جرئت بتوان ادعا نمود که با آغاز پیدایش مفهوم مالکیت در جوامع بشری، بشر با پدیده‌های مجرمانه‌ی سرقت، خیانت در امانت، کلاهبرداری و... رو به رو شد که وجود اینگونه ناهنجاری‌ها و چالش‌ها، او را بر آن داشت تا تدابیر و اقداماتی را برای حفاظت و حراست از اموالش اتخاذ نماید که در همین راستا «سیاست کیفری (و سرکوبگرانه) برای سال‌های طولانی در همه کشورها به عنوان ابزاری برای مبارزه با جرم اعمال می‌گردید اما امروزه با توجه به تحولات شگرفی که در جوامع پدید آمده است «اعمال سیاست پیشگیری بسیار عاقلانه‌تر و متناسب‌تر از اعمال سیاست کیفری می‌باشد و به همین دلیل در سیاست جنایی نوین، گرایش «پیشگیری» در کنار گرایش سرکوبگرانه قرار دارد. مکاتب الهی و به خصوص



مکتب اسلام توجه ویژه‌ی به تدابیر پیشگیرانه دارند و اصولاً در یک نگاه کلی تمام تکالیف و برنامه‌های دینی از طریق اصلاح رفتار و کردار و ترمیم نارسایی‌ها و کج‌روی‌ها زمینه را برای ریزش رذائل و رویش فضائل فراهم می‌کند که این امر به طور مستقیم و یا غیر مستقیم تاثیر شگرفی در پیشگیری از وقوع پدیده‌های مجرمانه و به خصوص بزهکاری‌های اقتصادی، برجای می‌گذارد. اما به طور خاص، تدابیر تربیتی پیشگیرانه از جرائم اقتصادی را می‌توان به طور پراکنده در لابلای کتب روایی که به اهمیت حق الناس و لزوم رعایت و محترم شمردن آن پرداخته‌اند، نظیر کتاب بحار الانوار، «باب عقاب من اکل اموال الناس ظلماً»، و نیز «باب المطل فی الدین»، جستجو نمود. همچنین این بحث را می‌توان با جستجو نمودن عبارات «حق المؤمن» و «عقاب من حبس حق المؤمن» در منابع و متون روایی جستجو نمود. همچنین رگه‌های این بحث، در آن دسته از کتب حقوقی که به مباحث جرم شناسی پرداخته‌اند، مشاهده می‌شود. اما با این حال نگارنده به کتابی که به طور مستقل به بررسی راهکارهای تربیتی پیشگیری از جرائم اقتصادی پرداخته باشد، برخورد کرده است. بدون شک جای مباحثی از این دست در میان مباحث فقهی و حقوقی خالی است و اهمیت این بحث می‌طلبد که صاحب نظران و دانشمندان این حوزه، با تبیین دستاوردها و تدبیرات پیشگیرانه اسلامی، بیش از پیش مردم را با حقایق و معارف اسلام آشنا نمایند و زمینه را برای فراگیر شدن امنیت اقتصادی و عدالت اجتماعی هموار سازند. در طول تاریخ بر طرف نمودن نیازهای زندگی از قبیل خوراک، پوشاک و مسکن یکی از مهمترین دغدغه‌های بشر بوده است که بر طرف نمودن اصولی و صحیح این نیازها تنها از طریق کار و فعالیت اقتصادی سالم امکان پذیر می‌باشد. در این میان برخی از افراد خودخواه و سودجو برای رفع مایحتاج زندگی‌شان به جای استفاده صحیح از استعدادها و توانایی‌های خدادی‌شان، به کارهای نامشروعی چون سرقت، کلاهبرداری، اختلاس و... روی می‌آورند تا از طریق مصادره و غصب اموال دیگران و برهم زدن نظم اقتصادی جامعه، خودشان را به آسایش و آرامش برسانند. برای مبارزه با این گونه ناهنجاری‌ها و معضلات، اتخاذ سیاست‌های کیفری و به مجازات رساندن مجرمین یکی از مهمترین دستور کارهای دولت‌ها در طول تاریخ بوده است اما امروزه تجربه نشان داده است که تنها

اعمال مجازات‌های سرکوبگرانه برای مبارزه با جرم و به خصوص جرائم اقتصادی کارساز نیست بلکه اعمال جرمی چون حبس و زندان به جای ایجاد تنبّه و بازدارندگی، زایشگاه جرم را به دنبال داشته است به گونه‌ای که افراد در طول مدت حبس، با جدیدترین و به روزترین شگردهای خلافکارانه آشنا می‌شوند و هنگام آزادی با کوله باری از آموخته‌های مجرمانه، زندان را ترک می‌کنند. با مراجعه به متون دینی روشن می‌شود که تعالیم روح بخش اسلام ضمن اینکه در راستای مبارزه با جرم، سیاست‌های کیفری از قبیل قصاص، دیات، تعزیرات و... را ارائه نموده است اما با این حال به سیاست پیشگیری نیز عنایت ویژه‌ای دارد و اصولاً تمام احکام و دستورالعمل‌های دینی جنبه پیشگیری از جرم را دارند چرا که در صدد هستند با تقویت اعتقاد خدا باوری، کج‌روی‌ها و انحرافات را اصلاح نموده و فرد را آنگونه تربیت نمایند که حتی در خلوت‌ترین مکان‌ها که هیچ نظارتی در آنجا صورت نمی‌گیرد، مرتکب جرم نشود. با وجود اینکه دستیابی به رفاه و تمکن مالی به منظور رفع نیازمندی‌ها و دستیابی به آسایش و آرامش، یک امر پسندیده و ضرورت انکارناپذیر است اما اگر ترمزهای کنترل کننده برای این روند وجود نداشته باشد ممکن است دچار آفت حرص و طمع شده و آسایش و آرامش را در ثروت اندوزی بی‌حد و حصر جستجو کند غافل از اینکه این روند نه تنها او را به آرامش نمی‌رساند بلکه اضطراب، بی‌قراری، ناخرسندی از وضعیت موجود و حرص و ولع شدید برای جمع‌آوری ثروت بیشتر، هرگونه آرامش و قرار را از او می‌رباید، مجموعه‌ی این فشارهای روانی او را به ثروت اندوزی از طرق نامشروع از قبیل احتکار، اختلاس، کلاهبرداری، سرقت و رشوه سوق می‌دهد. از جمله مهمترین خطرهایی که جامعه جهانی را در آستانه هزاره سوم به طور جدی تهدید می‌کند، "جرائم سازمان یافته اقتصادی" است. این عنوان در علم جرم شناسی شامل فعالیتهای مجرمانه شدید اقتصادی توسط گروههای مجرمانه ای می‌شود که با داشتن تشکیلات منسجم و پیچیده و با ویژگیهای خاص برای کسب منافع مالی یا قدرت اقتصادی مرتکب جرم می‌شوند، هرچند در علم حقوق پیچیدگی و ویژگیهای خاص گروه چندان مورد نظر قانونگذار نیست. جرائم سازمان یافته اقتصادی اگر چه از سالیان دور وجود داشته است، لکن جهانی شدن اقتصاد و وابستگی اقتصادی کشورهای دنیا به



همدیگر، توسعه صنایع مربوط به ارتباطات و حمل و نقل بین المللی و تبدیل شدن دنیا به “دهکده ای جهانی” موجب گردیده است تا جرم سازمان یافته جنبه ای فراملی نیز به خود گیرد و قلمرو خود را بر عرصه بین المللی بگستراند. از حیث پیشینه، این جرم ابتدا در جرم شناسی و جامعه شناسی جنایی مورد بحث قرار گرفته است و پس از تبیین تهدیدها و آثار مخرب آن بر جامعه، بعضی از دولتها آن را به تدریج وارد حقوق داخلی خود کرده اند. به علاوه معاهدات منطقه ای و بین المللی دو یا چند جانبه مختلفی نیز برای مقابله با مظاهر این جرم به امضا دولتهای مختلف رسیده است. به سبب اهمیت مبارزه با جرایم سازمان یافته، کنوانسیون مبارزه با جرایم سازمان یافته فراملی ملل متحد برای مبارزه همه جانبه بین المللی با مظاهر این جرم و هماهنگ سازی قوانین داخلی مربوط، در نوامبر سال ۲۰۰۰ در مجمع عمومی سازمان ملل متحد در قالب قطعنامه ای به تصویب اعضا رسید و از ۱۵ دسامبر این سال طی کنفرانسی در پالمو ایتالیا برای امضاء مفتوح گشت. با توجه به اینکه افغانستان نیز یکی از کشورهای درگیر مبارزه با جرایم سازمان یافته به ویژه در ارتباط با قاچاق مواد مخدر توسط باندهای قاچاق داخلی و بین المللی است، جا دارد قوه مقننه برای پیشگیری، کنترل و سرکوب مظاهر آن با توجه به مفاد کنوانسیون فوق الذکر تدابیر قانونی مناسبی را پیش بینی کند.

بخش سوم: معیارهای جرم شناسی جرایم اقتصادی از جرایم عمومی

این معیارها را در دو دسته معیارهای غیرمستقیم و معیارهای مستقیم مورد بررسی قرار دهیم.

بند اول: معیارهای غیرمستقیم

الف- معیار جغرافیایی: بر اساس این معیار بزهکاری اقتصادی یک پدیده ی شهری است و بر اساس میزان توسعه یافتگی شهرها میزان این جرایم نیز متفاوت است.

ب- معیار حرفه ای: جرم اقتصادی در ارتباط با فعالیت حرفه ای قانونی و مشروع فرد رخ می دهد مثلاً به کار گماردن افراد زیر ۱۵ سال در کارخانه ها.

ج- معیار ارزیابی مجرم از عمل مجرمانه: بر اساس این معیار مرتکبین جرایم اقتصادی عمل ارتكابی خود را حاکی از زرنگی و مهارت می دانند. در نتیجه، احساس مجرمیت نمی کنند. مثلاً فردی مذهبی خمس و زکات می پردازد. ولی مالیات نمی پردازد و اظهارنامه ی خلاف واقع ارائه می دهد که جامعه آنها را مجرم نمی داند.

د- معیار وسایل ارتكاب جرم اقتصادی: در جرم شناسی وسایل ارتكاب جرم به دو دسته تقسیم می شود. ۱- جرایم حيله آمیز و متقلبانه. ۲- جرایم توام با خشونت. جرایم اقتصادی از نوع اول هستند که مبتنی بر سوء استفاده از نبوغ، توانایی فکری و استعداد می باشند. که این امر سبب تنوع در وسایل ارتكاب جرم و موجب تنوع در شیوه های ارتكاب آن می شود. در نتیجه وسایل ارتكاب جرم غالباً مجمل و نامحسوس هستند. و یا میزان تاثیر وسیله ی ارتكاب جرم مشخص نیست. مثلاً در جرم کلاهبرداری رایانه و ...

ه- معیار نُرم یا قاعده نقض شده: منظور از نُرم قاعده یا هنجار حقوقی است که بیانگر مصلحت یا ارزش الزام آوری است که با محتوی و پیام هنجار مرتبط است. مثلاً مالکیت و احترام به مال دیگری یک نرم است. که بیانگر ارزش الزام آور مالکیت خصوصی است. که آثار اجتماعی و حقوقی به دنبال دارد. البته بیان کرده اند که این معیار نمی تواند جرایم اقتصادی را از جرایم عمومی تفکیک کند.

بند دوم: معیارهای مستقیم

الف- قوانین: عمده ترین منابع قانونی عبارتند از: (۱) ماده ی ۱۴ قانون اجرای اصل ۴۹: « هر گونه نقل و انتقال اموال اصل ۴۹ به منظور فرار از مقررات این قانون، پس از اثبات باطل و بلااثر است. انتقال گیرنده در صورت مطلع بودن و انتقال دهنده به مجازات کلاهبرداری محکوم خواهند شد.» این همان جرم پولشویی است که برای آن عنوان تعیین نشده است.

(۲) در بند ۳ ماده ی ۲ آیین نامه دادسرا و دادگاه های انقلاب مصوب ۱۳۵۸ نیز رسیدگی به جرایم اقتصادی بزرگ را در صلاحیت دادگاه انقلاب قرار داده است.



۳) قانون مجازات اعمال نفوذ برخلاف حق و مقررات قانونی مصوب ۱۳۱۵ که به موجب ماده ی ۱ این قانون تحصیل وجه به اقتضای اعتبار جهت اعمال نفوذ نزد مامرین را جرم انگاری نموده است.

در برخی قوانین قالب کیفیت مشدد افساد فی الارض برای جرایم اقتصادی به کار برده شده است. از جمله ماده ی ۴ قانون تشدید مجازات مرتکبین ارتشاء و اختلاس و کلاهبرداری و ماده ی ۱ قانون مبارزه با اخلاکگران در نظام اقتصادی مصوب ۱۳۶۹.

۴) ماده ی ۱۸۸ قانون آیین دادرسی دادگاه های عمومی و انقلاب در امور کیفری از جهت تعیین شیوه ی رسیدگی به جرایم اقتصادی و استفاده از قاعده تشهیر به منظور تنویر افکار عمومی.

این نکته قابل توجه است که در اکثر کشورهای دنیا عنوان مستقلی برای جرایم اقتصادی وجود ندارد. ب- آموزه ها: از آنجا که در حقوق ایران معیاری برای جرایم اقتصادی ارائه نشده حقوقدانان در این زمینه گامهایی برداشته اند. ج- اسناد بین المللی: دو سند بین المللی در رابطه با جرایم اقتصادی وجود دارد.

۱) کنوانسیون پالمو (مصوب ۲۰۰۰) این کنوانسیون فقط به تعریف جرایم می پردازد و در خصوص جرایم اقتصادی معیاری به دست نمی دهد.

ویژگی های جرم شناسی این کنوانسیون: ۱- در ماده ی ۹ کنوانسیون موانع اخلاقی شخصی و فردی را به عنوان پیشگیری غیر کیفری موثر در ارتکاب جرم می داند. ۲- در ماده ی ۳ پیشگیری غیر کیفری فنی مدنظر قرار گرفته شده است که با تقویت افراد در معرض بزه دیدگی امکان ارتکاب جرم را از بین می برد. همچنین به بازپروری محکومین اشاره شده است. ۳- در ماده ۲۳ پیشگیری از پرداخت هزینه توسط مجرمین را مطرح می کند. ۴- ماده ۲۴ و ۲۵ از بزه دیدگان جرایم سازمان یافته حمایت می کند.

۲) کنوانسیون مبارزه با فساد مریدا (مصوب ۲۰۰۳) این کنوانسیون به طور مستقیم به جرایم اقتصادی پرداخته است از جمله: کسب ثروتهای نامشروع (ماده ۲۰)، پرداخت رشوه به مقامات عمومی کشوری (ماده ۱۵)، اختلاس اموال در بخش خصوصی (ماده ۲۲)، تطهیر عواید ناشی از جرم (ماده ۲۳) و ...

این کنوانسیون علاوه بر طرح اقدامات و تدابیر بازدارنده در برخی موارد جرم انگاری نموده و پیشنهادهاتی به دولتهای عضو ارائه داده است.

- تدابیر بازدارنده: از طریق اعمال سیاست ها و روشهای پیشگیری در فساد مالی از فراهم شدن زمینه برای سوء استفاده مجرمین جلوگیری می کند. (پیشگیری غیر کیفری) ماده ی ۵ کنوانسیون تدابیر پیشگیری از فساد را مطرح می کند. و در ماده ۶ تشکیل نهادهایی برای مبارزه با فساد و امکان اجرای تدابیر مذکور را بوجود آورده است. در ماده ی ۷ نیز تاکید شده که افراد واجد صلاحیت اخلاقی و توانایی علمی و عملی لازم برای این منظور انتخاب شوند. همچنین در این کنوانسیون از طریق توسل به نظام ضمانت اجراها (ماده ی ۱۲) امکان مشارکت عمومی در اعلام جرم (ماده ی ۱۳) و اصلاح و بازپروری بزهکاران (ماده ی ۲۰) صورت می گیرد. (پیشگیری کیفری) ۱

- جرم انگاری: در این کنوانسیون به هر ماده یک عنوان کیفری و ضمانت اجرای اداری و انضباطی و صنفی ... اختصاص داده شده است در واقع تعریف جرم ارائه شده و مجازات را به حاکمیت ها واگذار کرده است.

بخش سوم: حمایت کیفری از نظام اقتصادی کشور آمریکا

ثابت بودن نرخ رشد تولید ناخالص داخلی، پایین بودن نرخ بیکاری و بالا بودن سطح تحقیقات و تداوم سرمایه گذاری داخلی و خارجی از مهمترین ویژگیهای اقتصادی ایالات متحده آمریکا در چند سال اخیر بوده است. در کنار آن بدهی داخلی و خارجی، افزایش هزینه های تامین اجتماعی و افزایش روزافزون قیمت نفت از مهمترین نگرانی های اقتصادی



آمریکا است. نظام اقتصادی ایالات متحده آمریکا تا حد بسیاری در رابطه با پیشینه تاریخی آن کشور شکل گرفته است. بر اساس تقسیم بندی تاریخی، اقتصاد آمریکا در سده های هفدهم و هیجدهم با محوریت کشاورزی، در سده نوزدهم و نخستین نیمه سده بیستم با محوریت صنعت و از نیمه دوم سده بیستم با محوریت صنعت و خدمات بوده است. مهمترین بحران اقتصادی تاریخ معاصر آمریکا مربوط به دهه ۱۹۳۰ می شود که با افت شدید بازار بورس در سال ۱۹۲۹ شروع شد. رکود روبه افزایش در این دوران منجر به ورشکستگی بسیاری از شرکت ها و کارخانه ها و به تبع آن بیکاری میلیونها نفر در آمریکا شد. علت اصلی بوجود آمدن این بحران، عدم هماهنگی میزان تولیدات آمریکا و تقاضای جهانی برای محصولات آمریکا بود. با روی کار آمدن فرانکلین روزولت و اجرای « طرح نوین » وی که شامل اصلاح سیستم بانکی، تزریق پول به جامعه، و اصلاح سیستم کشاورزی می شد، وضعیت اقتصادی آمریکا تا حدی بهبود یافت. پس از جنگ جهانی دوم، سیاست اقتصادی همه رئیس جمهورهای آمریکا، ایجاد شغل های جدید، کاهش تورم، کاهش بدهی های دولت، افزایش صادرات، افزایش سرمایه گذاری، موازنه هزینه ها و درآمدها و موازنه مثبت در بازرگانی خارجی بوده است. این اقدامات در دوران کارتر و کلینتون با جدیت بیشتری همراه بوده است. در ابتدای قرن ۲۱ و پس از دومین انقلاب صنعتی با محوریت فن آوری اطلاعاتی، آمریکا از تولید بسیاری از کالاها صرف نظر کرده و بخش بزرگی از سرمایه گذاری دولتی و خصوصی خود را متوجه عرصه های نوین اقتصادی نموده است. سیاست اقتصادی حکومت آمریکا توسط وزارت خزانه داری، شورای مشاورین اقتصادی، اداره مدیریت و بودجه و وزارت بازرگانی تدوین می گردد. در بعد داخلی، هدف سیاست های اقتصادی حکومت آمریکا، حفظ و ارتقا نرخ رشد اقتصادی سالانه و بهبود شاخصهای مهم اقتصادی است. در بعد خارجی، الویت حکومت آمریکا، حفظ برتری اقتصادی این کشور در صحنه جهانی است. آمریکا یکی از پیشرفته ترین کشورها از نظر تولیدات کشاورزی و دامپروری در جهان است. امروزه ۶ درصد از نیروی کار آمریکا در بخش کشاورزی و دامپروری مشغول به کار می باشند و این بخش تولید کننده ۹ درصد از تولید ناخالص داخلی در ایالات متحده آمریکا است. ۴۹ درصد از کل

درآمد بخش کشاورزی از فروش فرآورده های کشاورزی و ۵۱ درصد از فروش فرآورده های دامی بدست می آید. این کشور دومین تولید کننده گندم و اولین تولید کننده پنبه، توتون، میوه، گوشت و پنیر در جهان است. پیشرفت صنعت در آمریکا از سالهای پس از جنگ داخلی با سرعتی سرسام آور آغاز شد. به طوریکه در سال ۱۹۱۴ ایالات متحده آمریکا با تولید ۴۵۵ میلیون تن زغال سنگ بسیار جلوتر از انگلستان بوده و در آن سال به بزرگترین تولید کننده نفت و مصرف کننده مس تبدیل گشت. این روند رشد و در کنار آن نابودی اقتصاد ژاپن، آلمان، انگلستان و فرانسه در دوره جنگ جهانی دوم، آمریکا را به یکه تاز میدان صنعت جهان تبدیل کرد. صنایع آمریکا در دهه ۱۹۹۰ با سیاستهای مالی، پولی و اقتصادی کلینتون رشد بی سابقه ای نمودند. میزان تولیدات صنعتی ظرف سه ماه نخست سال ۲۰۰۰ از رشدی معادل ۲,۴ درصد نسبت به زمان مشابه سال ۱۹۹۹ برخوردار بوده است. آمریکا با پشت سر گذاشتن دومین انقلاب صنعتی با محوریت فن آوری اطلاعات در دهه های ۱۹۸۰ و ۱۹۹۰ بخش اصلی سرمایه گذاری خود را در زمینه تکنولوژی دیجیتال، الکترونیک و ارتباطاتی متمرکز کرد. مهمترین تولیدات صنعتی آمریکا را فولاد، موتور وسایل نقلیه، نفت خام، و تجهیزات هوافضا و ارتباطاتی تشکیل می دهد. هم اکنون ایالات متحده آمریکا به لحاظ تولید نفت در رتبه سوم و به لحاظ تولید گاز در رتبه دوم جهان قرار دارد. براساس آمارهای موجود در سال ۲۰۰۷ بخش صنعت با ۲۴ درصد نیروی کار، ۲۰,۶ درصد تولید ناخالص داخلی آمریکا را در اختیار داشته است. نقش خدمات در اقتصاد آمریکا پس از جنگ جهانی دوم بطور مستمر در حال افزایش بوده است. امروزه زمینه های جدیدی چون اطلاع رسانی، داده پردازی، برنامه ریزی رایانه، گردشگری و ... به لیست خدمات این کشور اضافه شده است. در سال ۲۰۰۷ بخش خدمات، ۷۵ درصد نیروی کار آمریکا را در اختیار داشته است. سهم خدمات در تولید ناخالص داخلی آمریکا، ۷۸,۵ درصد آن بوده است. کشوری با ظرفیت های ایالات متحده آمریکا سهم بزرگی در بازرگانی بین المللی و اقتصاد سیاسی بین المللی دارد. حجم کل مبادلات بازرگانی آمریکا با جهان در سال ۲۰۰۷ برابر ۳۰۶۰ میلیارد دلار بوده است. از این میان ۳۹ درصد سهم صادرات و ۶۱ درصد سهم واردات بوده است. ایالات



متحده آمریکا به لحاظ صادرات در رتبه سوم و به لحاظ واردات در رتبه اول جهان قرار دارد. مهمترین مشتریان صادرات ایالات متحده آمریکا را کانادا (۲۲ درصد)، مکزیک (۱۲ درصد)، چین (۱۰ درصد)، ژاپن (۶ درصد)، آلمان (۵ درصد) و انگلستان (۵ درصد) تشکیل می دهند. مهمترین کالاهای صادراتی آمریکا عبارتند از کالاهای سرمایه ای (ترانزیستورها، هواپیما، قسمتهای موتور وسایل نقلیه، کامپیوتر و تجهیزات ارتباطی) که ۴۹ درصد از صادرات را تشکیل می دهد و در رده های بعدی مواد و تجهیزات صنعتی بالاخص مواد شیمیایی با ۲۷ درصد و کالاهای مصرفی با حدود ۱۵ درصد قرار دارند. واردات آمریکا نیز بیشتر از کشورهای چین (۱۹ درصد)، کانادا (۱۶ درصد)، مکزیک (۱۱ درصد)، ژاپن (۸ درصد)، آلمان ۵درصد صورت می پذیرد. مهمترین کالاهای وارداتی آمریکا عبارتند از مواد و تجهیزات صنعتی با ۳۳ درصد که ۸درصد آن مربوط به واردات روغن مازوت است. در رده های بعدی کالاهای مصرفی با ۳۲ درصد و کالاهای سرمایه ای با ۳۰ درصد قرار دارند. ایالات متحده آمریکا با ۱۳۸۰۰ میلیارد دلار تولید ناخالص داخلی در سال ۲۰۰۷، ۲۵ درصد تولید ناخالص جهانی را به خود اختصاص داده بود. رشد واقعی تولید ناخالص داخلی آمریکا در سال جاری میلادی ۸ دهم درصد و برای سال ۲۰۰۹ حدود ۱,۴ درصد پیش بینی می شود. سرانه تولید ناخالص داخلی این کشور با ۴۶ هزار دلار در سال ۲۰۰۷ در رتبه دهم قرار دارد. در سال ۱۹۹۹ درآمد ملی آمریکا برابر ۹۶۸۰ میلیارد دلار بوده و درآمد ملی سرانه آمریکا رقمی در حدود ۳۲ هزار دلار بوده است. بودجه دولت فدرال آمریکا از طریق کسب مالیات تامین می گردد. بودجه سال ۲۰۰۷ ایالات متحده آمریکا، ۲۵۶۸ میلیارد دلار و هزینه های دولت ۲۷۳۱ میلیارد دلار بوده که نشان از وجود تراز بازرگانی منفی در اقتصاد این کشور دارد. تحولات بین المللی در فاصله خاتمه جنگ سرد و ۱۱ سپتامبر باعث شده است مقامات و سیاست گذاران ایالات متحده خود را در فضایی متلاطم و دوران گذاری ببینند که طی آن نظام جهانی جدیدی مستقر شده و معادلات دنیای نوین را بر پایه اصول جدید خود تنظیم خواهد کرد. بر همین اساس مقامات وزارت امور خارجه آمریکا و به ویژه کاندولیزا رایس به صراحت و به دفعات بر لزوم اتخاذ یک " دیپلماسی سیال" در قالب به کار بردن طیف جامعی

از تمامی ابزارهای دیپلماتیک به نحوی که تامین کننده منافع ایالات متحده باشد تاکید کرده اند. بنا به اظهارات مقامات آمریکایی، "دیپلماسی اقتصادی" بخش لاینفک و اساسی این "دیپلماسی سیال" است. شناخت و پیش بینی پیامدهای دیپلماسی اقتصادی آمریکا برای امنیت و منافع ملی جمهوری اسلامی ایران حائز اهمیت ویژه ای است. در همین ارتباط موضوع همکاری نزدیک با سازمان های بین المللی و کشورهای استراتژیکی چون روسیه، چین، هند و اتحادیه اروپا و همچنین امنیت اقتصادی - امنیت انرژی به عنوان اولویت ها و دغدغه های اصلی دیپلماسی اقتصادی آمریکا، تاثیرات زیادی بر روابط و پیوندهای ایران با کشورهای روسیه، چین و هند دارد؛ به نحوی که توجه به روابط کلان ایالات متحده با این کشورها در حوزه هایی نظیر امنیت اقتصاد بین الملل و امنیت انرژی جهانی، می تواند حد نهایی اتکای ایران بر روابط خود با کشورهای مذکور را تعیین کرده و از این طریق ضریب احتمال بروز اشتباه در محاسبات سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران را کاهش دهد.

اولویت ها و دغدغه های دیپلماسی اقتصادی آمریکا به صورت ذیل قابل طبقه بندی است:

- همکاری نزدیک با کشورهای استراتژیکی

- تامین امنیت اقتصادی - امنیت انرژی

- حمایت از گسترش بازارهای آزادگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی

- حمایت از شرکت های آمریکایی در سراسر جهان

- تقویت رشد و توسعه اقتصادی

ایالات متحده در چارچوب دیپلماسی اقتصادی خود و به منظور تحقق گذار جهان به سوی نظام بازار آزاد از تحول اقتصادی در کشورهایی نظیر عراق، افغانستان، اوکراین، اندونزی، لبنان و هائیتی حمایت خواهد کرد. این کشور همچنین از تحولات سیاسی و اقتصادی آسیای مرکزی، خاورمیانه و بالکان در مسیر پیش گفته، حمایت کامل به عمل خواهد آورد. آمریکا خواهان آن است که این مناطق و کشورها، دوران مناقشه و بی ثباتی را پشت سر گذاشته و



الگوهای سیاسی و اقتصادی قبلی را به نفع الگوی بازارِ مدنظر ایالات متحده کنار بگذارند. بنا به اظهارات مقامات وزارت خارجه آمریکا، دیپلماسی اقتصادی این کشور، مشوق سیاست هایی است که نظام بازار و فرهنگ ملازم با آن را در سطح تمامی بخش های جامعه بگستراند. در این رابطه، تاکید و حمایت بیشتری از کشورهایی که روابط ویژه اقتصادی با ایالات متحده دارند، به عمل خواهد آمد. برای مثال ایالات متحده برای اطمینان از اینکه چین به عنوان یک " شریک مسئول" در نظام بین الملل کنونی به گونه ای هماهنگ با ایالات متحده عمل کند با رهبران این کشور همکاری تنگاتنگی خواهد داشت. همچنین ایالات متحده به طور مشخص اهمیت فزاینده هند و روسیه را به عنوان شرکای اقتصادی و استراتژیک مد نظر دارد. اتحادیه اروپا نیز به عنوان بزرگترین حوزه اقتصادی جهان جایگاه ویژه ای در دیپلماسی اقتصادی آمریکا خواهد داشت. بر این اساس ایالات متحده، چین، هند، روسیه و اتحادیه اروپا پیوندهای استراتژیک اقتصادی خود با یکدیگر را با هدف ساماندهی نظام اقتصاد بین الملل تعمیق و گسترش خواهند داد. در سطح کلان، چین، هند و روسیه الزامات نظام بازار آزاد را پذیرفته و برای ادغام در این نظام با هدف کسب منافع بیشتر و کاهش زیان های ناشی از آن، پیوندهای استراتژیک خود با ایالات متحده را بیش از پیش تقویت خواهند کرد تا توسط ایالات متحده و در وهله بعد اتحادیه اروپا به عنوان شرکای مسئول پذیرفته شوند. با توجه به پیوندهای استراتژیک میان آمریکا و سه کشور مذکور، اصل حاکم بر روابط میان آنها به جای "همکاری یا رقابت"، "همکاری و رقابت" خواهد بود و بر این اساس، آنچه میان این شرکا روی می دهد رقابت است، نه مناقشه و تعارض استراتژیک. البته این به معنای هماهنگی و یکسانی مواضع این کشورها با ایالات متحده در همه زمینه ها نیست؛ روسیه، چین، هند و اتحادیه اروپا به ویژه در روابط سیاسی دو جانبه با آمریکا بر حسب منافع ملی کشور خود، اختلاف نظرهایی با دیدگاه های ایالات متحده دارند ولی در عین حال در چارچوب نظام سرمایه داری جهانی، در سطح مسائل کلان جهانی همگی به صورت هماهنگ با هم عمل می کنند. با در نظر گرفتن این پیوندهای کلان در چارچوب نظام جهانی سرمایه داری، چین، هند و روسیه روابط خود با سایر کشورها از جمله ایران را در قالب غیراستراتژیک در رده های بعدی اولویت قرار داده اند و از

آن به صورت تاکتیکی برای ارتقای موقعیت چانه زنی خود در روابط استراتژیک شان با ایالات متحده استفاده خواهند کرد. یکی از مهمترین حوزه های امنیت اقتصادی، مسئله تامین امنیت انرژی است که در اجلاس اخیر سران G8 در سن پترزبورگ نیز در راس دستور کار و برنامه های این اجلاس قرار داشت. در همین رابطه، تامین امنیت انرژی از محورهای اساسی دیپلماسی اقتصادی ایالات متحده است. هدف اصلی آمریکا در این زمینه اطمینان از عرضه انرژی به گونه ای است که ضامن حمایت از رشد اقتصادی این کشور و اقتصاد جهانی باشد. بر این اساس، ایالات متحده بهترین راه حصول به امنیت انرژی را ارتقای یک بازار آزاد، باز و شفاف سرمایه گذاری و تجارت انرژی می داند. در بعد داخلی، تصویب قانون سیاست انرژی ۲۰۰۵ گامی برای تقویت امنیت انرژی از طریق گسترش سرمایه گذاری در زیر ساخت های انرژی، صرفه جویی، افزایش کارآمدی و تحقیق در زمینه تکنولوژی ها نو بوده است. نکته قابل توجه در این رابطه، اهمیت مجدد روابط ایالات متحده با چین و هند به عنوان مصرف کنندگانی است که در دهه های آینده سهم عمده ای در افزایش تقاضای جهانی انرژی خواهند داشت. روابط با روسیه نیز به عنوان یک تامین کننده بزرگ انرژی در همین چارچوب مطرح است. این کشورها برای تامین امنیت انرژی خود و جهان و تضمین شکوفایی اقتصاد داخلی و بین المللی ناگزیر از همکاری استراتژیک با یکدیگر هستند. مصرف انرژی چین و هند با سرعت فزاینده ای در سال های آینده افزایش خواهد یافت. این در حالی است که آمریکایی ها مدعی هستند بخش اعظم هزینه های تامین امنیت انرژی جهانی توسط ایالات متحده پرداخت می شود. آنها معتقدند چین و هند در این رابطه "سواری مجانی" می گیرند. ایالات متحده بیش از گذشته این کشورها را وادار به مشارکت فعالانه در نظام امنیت انرژی جهان به عنوان بخشی از نظام اقتصاد بین الملل خواهد کرد. به علاوه با توجه به موقعیت (بالقوه) ممتاز روسیه از حیث تولید نفت و گاز، ایالات متحده که نسبت به توان ایفای نقش عربستان به عنوان عامل ثبات بازار جهانی انرژی و بروز بی ثباتی در این کشور و منطقه خاورمیانه نگران است، مایل به افزایش سرمایه گذاری و تولید نفت و گاز روسیه می باشد. پیوندهای استراتژیک این کشورها در چارچوب اقتصاد جهانی ایجاب خواهد کرد که روسیه



برای استفاده از سرمایه گذاری های غربی و مزایای بازار آزاد، به صورت یک تامین کننده مسئول و قابل اطمینان در بازار انرژی عمل کند. روس ها نیز به این نقش دلبستگی زیادی دارند و به شدت به سرمایه و بازار غرب در حوزه انرژی و اقتصاد ملی خود نیازمند هستند. با توجه به پیوندهای چند وجهی استراتژیک این کشورها با ایالات متحده، روابطشان در چارچوب نظام بازار بیش از پیش تقویت خواهد شد. تامین امنیت انرژی و اقتصاد جهانی نیازمند هماهنگی این قدرت های بزرگ است و به نظر می رسد تمامی این بازیگران در پذیرش اصول چنین نظامی با یکدیگر اشتراک نظر کلی داشته باشند. بر اساس ملاحظات دیپلماسی اقتصادی آمریکا، صرفاً رژیم های تجارت و سرمایه گذاری آزاد هستند که می توانند رشد اقتصادی پایدار را تقویت کنند. بر همین اساس جورج بوش، ایده آل "جهان بدون یارانه و بدون تعرفه گمرکی" را در اجلاس مجمع عمومی سازمان ملل متحد در سپتامبر ۲۰۰۴ مطرح کرده است. به وضوح هماهنگی کاملی میان این اهداف و اولویت های ایالات متحده در خصوص روابط نزدیک با کشورهای استراتژیک و امنیت اقتصادی دیده می شود. در چارچوب دیپلماسی اقتصادی آمریکا، سازمان جهانی تجارت بهترین محمل برای توسعه تجارت جهانی و رشد اقتصادی کشورهای در حال توسعه است. از دید ایالات متحده، گشایش و گسترش بازارها به ویژه در بخش کشاورزی از اصول اساسی تحقق بازارهای آزاد محسوب می شود. به اعتقاد مقامات آمریکایی یک حرکت اساسی رو به جلو در حیطه آزادسازی بازارهای کشاورزی توسط اروپایی ها می تواند زمینه را برای کشورهای پیشرو و در حال توسعه نظیر هند و برزیل جهت کاهش متقابل تعرفه های محصولات صنعتی و گشایش های جدید در بازار خدمات مهیا کند. دیپلماسی اقتصادی ایالات متحده در کنار تاکید بر توافقنامه های چند جانبه در قالب سازمان جهانی تجارت، برنامه تجاری فعالی را در چارچوب موافقتنامه های منطقه ای، زیر منطقه ای و دو جانبه دنبال می کند. این قبیل موافقتنامه ها محملی برای تقویت رژیم های شفافیت، حاکمیت قوانین و مقررات و تجارت آزاد هستند. توافقنامه تجاری آمریکا- شیلی نمونه ای از این دست است. در همین راستا ایالات متحده از تحقق کامل موافقتنامه تجارت آزاد آمریکای مرکزی حمایت می کند. حفاظت از ابداعات و اختراعات نیز از دیگر برنامه

های دیپلماسی اقتصادی ایالات متحده است. حدود ۷٪ از تجارت سالانه جهانی شامل تجارت محصولات غیر قانونی است و در همین رابطه هر ساله ۲۵۰ میلیارد دلار هزینه برای مبارزه با جعل و جلوگیری از پایمال شدن حقوق مالکیت معنوی بر اقتصاد آمریکا تحمیل می شود. کشورهایی که محل وقوع مداوم جرائم مربوط به حقوق مالکیت معنوی هستند معمولاً از مشکلات اقتصادی بی شمار دیگری نیز رنج می برند. در واقع ۷۱٪ تجارت آمریکای لاتین در سال ۲۰۰۵، با نقض حقوق مالکیت معنوی همراه بوده است.

بخش چهارم: جرم شناسی نظری و حقوق کیفری اقتصادی

بزهکار اقتصادی از عقده‌ی حقارت رنج می برد و همین امر عامل محرک و انگیزه اصلی او برای کسب قدرت بشمار می رود. او عقده‌ی خود را با خرید کالاهای اشرافی نشان می دهد مثلاً استفاده از خودروهای آخرین سیستم. ولی، در عین حال باید توجه داشت که مجرم اقتصادی از چنان قدرت و توانایی فکری برخوردار است که آن دسته علایم بیرونی قدرت را که حساس برانگیز است مخفی می نماید. مثلاً به منظور عدم پرداخت مالیات اموال آنها را به پول نقد تبدیل یا به شخص دیگری در خارج منتقل می کند. ایراد این نظریه این است که فرد مجرم را جدای از محیط و موقعیت یا وضعیتی که در آن عمل می کند قضاوت و تحلیل می کند. مثلاً کارمندی که اراده‌ی ارتکاب جرم دارد ولی کنترل‌های قانونی و اداری مانع این امر می شود. بزهکاران اقتصادی وسایل قانونی را، به منظور دست یابی به بالاترین نماد موفقیت دور می زنند. در واقع بین اهداف سطح بالای بزهکاران اقتصادی و وسایل قانونی دست یابی به اهداف شکاف قابل توجهی وجود دارد. درست مثل کسی که می خواهد در مسابقات وزنه برداری مقام نخست را کسب کند ولی به دلیل عدم تمرین به دوپینگ متوسل می شود. خلاقیت بزهکار اقتصادی به واسطه‌ی شکاف بین هدف‌های مادی و وسایل و امکانات قانونی ایجاد می گردد. که فرد را در یک حالت خلاء هنجاری و عدم احساس پابندی قرار می دهد. هر چقدر این شکاف بیشتر باشد بی‌اعتنایی به هنجارها و دور زدن قانون بیشتر می شود. مرتن بزهکاری را ناشی از وضعیتی می داند که جامعه به وجود آورده است وی معتقد است که



جامعه باید از طریق تبلیغات در این اهداف تجدیدنظر نماید و امکان دستیابی را برای همه فراهم نماید. این نظریه مختص جوامع دارای اقتصاد غیردولتی است. زیرا، در کشورهای دارای اقتصاد دولتی خود دولت فروشنده و تاجر بزرگ محسوب می شود. هر چه فعالیت های اقتصادی بیشتر و متنوع تر باشد زمینه های کسب سود و در عین حال ارتکاب جرم نیز بیشتر است. (نظریه های گایس و نظم اجتماعی و فردی مری دلماس مارتی) دلایل ارتکاب جرم از دیدگاه این نظریه: ۱- استفاده ی ناخواسته ی قدرت های بزرگ از شرکتها و صاحبان سرمایه. در واقع نیاز قدرت های بزرگ به پول توسط محیط اقتصادی بزرگ تامین می شود. ۲- به خاطر ارتباط فعالان اقتصادی با حاکمیت با جرایم آنها با اغماض برخورد می شود. ۳- محیط اقتصادی محیطی شفاف نیست در نتیجه فعالیت آنها تحریک برانگیز نیست و تقبیح عمومی را به دنبال ندارد. ۴- رسیدگی به این جرایم به اهل فن واگذار که این امر سبب تضعیف نمود بیرونی کنترل این جرایم می شود. و ...

بند اول: نظریه های مرتبط با محیط اجتماعی

نقش نظام اقتصادی و سیاسی بر جرایم اقتصادی. ۱- تاثیر شرایط اقتصادی بر بزهکاری اقتصادی: در کشورهای سرمایه داری مالکیت خصوصی محترم و اعمال علیه آن جرم محسوب می شود. در این کشورها با مجرمین یقه سفید روبرو هستیم. اما در کشورهای سوسیالیستی مالکیت عمومی و اشتراکی در چنین نظام هایی سبب می شود که شهروندان درکی از مفهوم دارا شدن نداشته باشند. بنابراین، جرم یقه سفیدی موضوعیت ندارد. و آنچه هست فساد دولتی است. در کشورهای سرمایه داری در دوران رشد و شکوفایی اقتصادی امکان افزایش بزهکاری حرفه ای بالا است. بر خلاف دوران رکود اقتصادی که بزهکاری حرفه ای کاهش می یابد. و جرایمی که ریشه ی آنها غالباً اقتصادی است. چون سرقت، خیانت در امانت و کلاهبرداری و ... رو به افزایش است.

۲- تاثیر شرایط سیاسی بر بزهکاری اقتصادی: نوسانات بزهکاری تا اندازه ی زیادی تحت تاثیر اقدامات قوه ی مقننه است. زیرا، با یک جهت گیری اقتصادی توسط آن ارزش های

جدیدی به وجود می آورد. که نقض آنها جرم انگاری می شود. و بر تعداد مجرمین می افزاید. برعکس چنانچه یک سلسله جرایم را نادیده بگیرد نرخ بزهکاری پایین می آید. در مورد واکنش های حقوقی باید گفت ماهیت جرایم اقتصادی طوری است که به قوانین شکلی بعد خاصی داده است. اگر چه هنوز در خصوص تعریف این جرایم و مصادیق آن جامعیتی وجود ندارد. ولی با تلاش حقوقدانان یک جمع بندی کلی در این زمینه وجود دارد. که آن را ذیل حقوق کیفری اقتصادی مطرح و تعریف می نمایند. در وادی پیشگیری در خصوص جرایم اقتصادی تدابیر خاص وجود دارد. جرم شناسی اقتصادی یک جرم شناسی اختصاصی است یعنی مطالعه ی یک جرم خاص و علل ارتکاب آن. در خصوص مجرمین اقتصادی روش های خاص در مورد اصلاح و جامعه پذیری آنها وجود دارد. به همین ترتیب در اسناد بین المللی مربوط به جرایم اقتصادی شاهد اختصاص مواد خاص به این جرایم از ابعاد و جنبه هایی همچون پیشگیری از جرم و اصلاح و بازپروری مجرمین هستیم. بزهکاران اقتصادی از نظر سازگار بودن با جامعه، فردی عادی و همگام با مقررات جامعه است. و از خلاء هنجارهای حاکم بر محیط و بستر کاری خود برای ارتکاب جرم استفاده می کنند. یقه سفیدها با وجود داشتن امکانات فراوان و توفیق اجتماعی زیاده خواهند و از آنجا که وسایل قانونی را در اختیار ندارند متوسل به وسایل و روش های غیر قانونی می شوند. برای پیشگیری و مبارزه با جرایم اقتصادی باید خلاء موجود را رفع کرد. و جامعه را برای ممانعت از ایجاد بستر مناسب برا ارتکاب این جرایم آماده کرد.

بند دوم: نهادهای سیاست گذار در حمایت کیفری و امنیت اقتصادی آمریکا

از آنجا که شناسایی نهادهای تصمیم گیرنده در عرصه های مختلف سیاستگذاری ملی می تواند به درک و دریافت روشن تر از خاستگاه ها و اهداف سیاست های ملی کشورها بینجامد مطلب ذیل با هدف ترسیم تصویری کلی از نقش و کارکرد نهادها و سازمان های دخیل در تدوین دیپلماسی اقتصادی و سیاست های تجاری ایالات متحده تهیه و ارائه شده است :

۱- کمیته هماهنگی توسعه تجارت



این کمیته در واقع یک تیم صادراتی دولت فدرال آمریکاست؛ یک گروه اجرایی بین سازمانی به ریاست وزیر بازرگانی ایالات متحده که موظف به تفکر و طراحی استراتژیک درخصوص جایگاه رقابتی جهانی آمریکا است. این کمیته بر اساس نقش هدایتی خود در توسعه صادرات و خدمات مالی - تجاری، برخی اصول استراتژی ملی صادرات ایالات متحده را به شرح ذیل تعیین و ارائه کرده است :

الف) کاهش کمک های محل امر تجارت به میزان ۵ میلیارد دلار در سال

ب) آزاد سازی قابل توجه کنترل های صادراتی درخصوص محصولات با تکنولوژی پیشرفته از طریق همکاری نزدیک با " دفتر امنیت صنعتی " با هدف رها ساختن ۴۲ میلیارد دلار صادرات از قید الزامات مجوزی .

ج) ایجاد و پیشبرد فرآیندی برای هماهنگی برنامه های صادراتی بین "اداره تجارت خرد" و بانک ExIm با هدف افزایش ۴۵ درصدی وام های صادراتی اعطایی این نهادها .

د) ارائه یک بودجه توسعه تجارت شفاف و در عین حال مبتنی بر صرفه جویی .بررسی ها نشان می دهد این سازمان با صرف هزینه ۳ میلیارد دلار، به میزان ۶۸ میلیارد دلار به صادرات ایالات متحده کمک کرده است .

۲- وزارت بازرگانی پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی

وزارت بازرگانی ایالات متحده مسئول ایجاد شغل، رشد اقتصادی، توسعه پایدار و بهبود استانداردهای زندگی برای تمام آمریکایی ها از طریق کار و مشارکت با فعالان اقتصادی، دانشگاه ها، اجتماعات و کارگران است. وزارت بازرگانی سیاست های ذیل را در دستور کار خود دارد :

الف) ایجاد و ارتقای توان رقابتی ایالات متحده در بازار جهانی از طریق تقویت زیرساخت های اقتصاد ملی

ب) حفظ موقعیت رقابتی آمریکا از طریق تمرکز بر علوم و تکنولوژی های پیشرفته غیر قابل رقابت اطلاعات محور

ج) فراهم ساختن و اعمال یک مدیریت موثر و رو به پیش درخصوص منابع و دارایی های ملی برای تضمین فرصت های پایدار اقتصادی آمریکا .

۳- شورای مشاوران اقتصادی

وظیفه این شورا ارائه مشاوره مستقیم به رئیس جمهور و اعضای ارشد هیئت حاکمه آمریکا است. همچنین این شورا می کوشد از طریق یک فرآیند بین سازمانی، درک و تصویری عمومی از مسائل اقتصادی ایجاد و آن را ارتقا ببخشد و از این طریق سیاست های اقتصادی را ارزیابی نموده و توصیه هایی برای تصمیم گیری رئیس جمهور ارائه نماید. شورا از طریق جمع آوری و تدوین اطلاعات اقتصادی آمریکا، رئیس جمهور را در تدوین و ارائه گزارش سالانه اقتصادی این کشور یاری می کند. به علاوه شورای مشاوران، سیاست های اقتصاد ملی برای تقویت و بهبود رقابت آزاد و پرهیز از نوسانات اقتصادی و یا کاهش اثرات آن بر حفظ اشتغال، تولید و قدرت خرید را طراحی و در قالب مطالعات، گزارش ها و توصیه ها، در اختیار رئیس جمهور قرار می دهد .

۴- وزارت دفاع

وزارت دفاع درچارچوب برنامه های منظمی نسبت به صادرات محصولات نظامی و استراتژیک بر اساس "قواعد بین المللی ترافیک تسلیحات" اقدام می کند .

۵- وزارت انرژی

وزارت انرژی ایالات متحده یک آژانس قدرتمند با نقش رهبری علوم و تکنولوژی به گونه ای است که تحقیقاتش از امنیت انرژی و به طریق اولی از امنیت ملی، کیفیت محیط زیست و زندگی بهتر برای شهروندان آمریکایی حمایت کند .

۶- شورای ملی اقتصاد



وظایف این شورا عبارتند از :

- الف) هماهنگی فرآیند سیاست‌گذاری ملی با توجه به مسائل اقتصادی داخلی و بین‌المللی
 - ب) هماهنگی کردن مشاوره‌های سیاست اقتصادی به رئیس‌جمهور
 - ج) اطمینان از همخوانی تصمیمات و برنامه‌های سیاست اقتصادی با اهداف اعلامی رئیس‌جمهور و همچنین اطمینان از تعقیب و اجرای موثر این اهداف
 - د) نظارت بر اجرای دستور العمل سیاست اقتصادی رئیس‌جمهور
- ۷- دفتر مدیریت و بودجه

وظیفه اصلی این نهاد کمک به رئیس‌جمهور در آماده کردن بودجه فدرال و نظارت بر دستگاه‌های اجرایی است. دفتر مدیریت و بودجه ضمن کمک به رئیس‌جمهور در فرموله کردن هزینه طرح‌ها، موثر و کارآمد بودن برنامه‌ها و سیاست‌ها را ارزیابی می‌کند و همچنین اطمینان حاصل می‌کند که برنامه‌های اجرایی و عملکرد هر سازمان با بودجه و سیاست‌های رئیس‌جمهور همخوانی داشته باشد.

۸- آژانس سرمایه‌گذاری خصوصی ماورای بحار

این آژانس دولتی به تمامی فعالان اقتصادی ایالات متحده در تمامی سطوح برای سرمایه‌گذاری و رقابت در ۱۴۰ بازار در حال ظهور در سراسر جهان کمک می‌کند. این کمک‌ها در راستای منافع استراتژیک و اقتصادی آمریکا اعطا می‌شوند. هزینه کمک‌های این آژانس بر عهده شرکت یا موسسه دریافت‌کننده کمک است و از این نظر هزینه‌ای بر مالیات‌دهندگان ایالات متحده تحمیل نمی‌شود. ذخایر آژانس در حال حاضر بیش از ۳/۷ میلیارد دلار است.

۹- اداره بازرگانی خرد ایالات متحده

این اداره در سال ۱۹۵۳ با هدف ارائه کمک های مالی، تکنیکی و مدیریتی به فعالان اقتصادی آمریکا جهت آغاز، راه اندازی و توسعه فعالیت اقتصادی شان ایجاد شده است و انواع وام های تجاری، حوادث غیر مترقبه و را به ارزش ۴۵ میلیارد دلار اعطا نموده است. این اداره بزرگترین حامی مالی فعالیت های اقتصادی خرد در ایالات متحده است و سال گذشته به بیش از یک میلیون فعالیت اقتصادی خرد کمک های مدیریتی و تکنیکی اعطا کرده است .

۱۰- آژانس توسعه و تجارت ایالات متحده

وظیفه این آژانس کمک به ایجاد شغل برای آمریکایی ها از طریق یاری رساندن به شرکت های آمریکایی برای تعقیب و کسب فرصت های اقتصادی ماورا بحار است. این آژانس از طریق فراهم کردن زمینه مطالعات امکان سنجی، بازدیدهای اقتصادی، بورس های آموزش تخصصی، کارگاه های آموزشی اقتصادی و انواع کمک های تکنیکی به فعالان اقتصادی آمریکا یاری می رساند تا برای کسب امتیاز پروژه های زیربنایی و صنعتی در کشورهای در حال توسعه با درآمد متوسط رقابت کنند .

۱۱- وزارت خزانه داری

این وزارت خانه وظایفی نظیر کمک و تقویت یک اقتصاد شکوفا و باثبات در آمریکا و سایر اقتصادهای جهان، مدیریت مالی دولت و حفاظت از نظام مالی ایالات متحده را بر عهده دارد.

۱۲- آژانس توسعه بین المللی ایالات متحده

یک آژانس دولتی است که برنامه های کمک های بشردوستانه و اقتصادی خارجی ایالات متحده را طراحی و اجرا می کند. سابقه این آژانس به طرح مارشال در دوره پس از جنگ جهانی دوم باز می گردد .

۱۳- دفتر نمایندگی تجاری ایالات متحده



این دفتر مسئول توسعه و هماهنگی تجارت بین الملل ایالات متحده، سیاست سرمایه گذاری خارجی و رهبری یا هدایت مذاکرت در این حوزه ها با سایر کشورها است. نماینده تجاری ایالات متحده عضو کابینه و مشاور، مذاکره کننده و سخنگوی اصلی رئیس جمهور در تجارت و سرمایه گذاری است. نمایندگی از طریق یک ساختار بین سازمانی، سیاست تجاری را هماهنگ نموده، اختلافات تجاری بین سازمانی را حل کرده و مسائل تجاری را برای تصمیم گیری رئیس جمهور سازماندهی می کند.

زیان‌ها و کاهش ارزش دفتری دارایی‌ها هم‌اکنون ۳۳۵ میلیارد دلار است و بسیاری از بهترین کسب و کارهای آنها از بین رفته است. در اقتصادهای توسعه یافته، تقریباً همه بانک‌ها با بادهای مخالف اقتصادی و قانون گذاری روبه‌رو هستند که در آمد و اشتغال را کاهش خواهند داد، اما بزرگ‌ترین خطری که سرمایه غرب با آن روبه‌رو است، کاهش قدرت کسب درآمد نیست بلکه از دست دادن ایمان به چگونگی کارکرد آن است. دو انتقاد در مورد این صنعت وجود دارد، یکی بر پایه انصاف و دیگر بر پایه بهره‌وری در مورد اولی گفته می‌شود به جای آنکه سرمایه به جیب مشتریان، سهامداران یا اقتصاد برود، برای ثروتمند کردن بانکداران دست به کار می‌شود. برخی در مورد شیوه محاسبه پاداش‌ها نگرانند، دیگران در مورد خطر اخلاقی، بانکداران شرط بندی‌های حساب نشده خواهند کرد، زیرا می‌دانند توسط مالیات دهندگان از ورشکستگی نجات پیدا می‌کنند. همچون بانک بی‌استرنز یا نورترن راک. پرسش عمیق‌تر این است که آیا شیوه مبنی بر بازار برای تامین سرمایه کارآمد است یا خیر. برخی از مقامات چینی ادعا می‌کنند نظام غربی با این بحران آشکار مواجه شده است. رئیس جمهوری آلمان گفت: «دیو» بازارهای مالی «باید به جای خود برگردد»: «مسوولان بانک‌ها موجب «ویرانی گسترده دارایی‌ها» شده‌اند. منتقدان بدون دستاویز نیستند. اشتباه در تامین اعتبار در مورد بازار وام مسکن ساب‌پرایم نشان‌دهنده تخصیص خردمندانه سرمایه نیست. تصویر مبهم نظام بانکی و پیچیدگی محصولاتی که با دارایی پیش‌تیبانی می‌شوند، تردید در مورد شیوه کار بازار را افزایش داده است. مراقب باشید. شتاب برای کنترل عاقلانه نیست: گواه این مطلب قانونی است

که دولت در پی رسوایی شرکت‌ها در اوایل این دهه تصویب کرد. شتاب کنونی خطرناک است، زیرا تعداد اندکی از حقایق را با تعداد بسیاری از افسانه‌های اغواکننده درهم می‌آمیزد. حقایق، شیوه‌هایی را بررسی می‌کند که در آن سرمایه‌می‌تواند کمی کارآمدتر یا عادلانه‌تر شود، اما تنها با کنار گذاشتن این افسانه که تامین سرمایه تا حدی بخشی از نقص و کمال آن است، می‌توان این تغییرات را به وجود آورد. حباب‌ها، فراوانی و خسارت بخشی از بسته مالی غرب است و هنوز ارزش آن را دارد.

نتیجه گیری

بر اساس تحقیقات مؤسسه بین المللی «شفافیت» شاخص فساد اقتصادی در مناطق مختلف جهان در حال گسترش است. بالاترین نمره کشورها از نظر فساد اقتصادی، ۱۰ محاسبه شده است، نمره ایران در فساد اقتصادی ۲/۹ است. هرچند که وضعیت فساد اقتصادی در ایران به نسبت سایر کشورهای جهان بسیار مناسب تر است اما به دلایل متعددی این امر به یکی از چالش‌های مهم نظام در سطح معضلات عمده و کلان کشوری تبدیل شده است. شاید از یک سیستم اسلامی بسیار بیش از این انتظار می‌رود و نمره ایالات متحده ۱/۳۲ می‌باشد. فساد اقتصادی به آن دسته از جرائم علیه تمامیت اموال عمومی و دولتی گفته می‌شود که باعث ایجاد اختلال در نظام اقتصادی کشور در سطح کلان می‌گردد و با خارج ساختن امور اقتصادی از مجرای صحیح و سالم خود، منجر به دارا شدن غیرعادلانه و تحصیل ثروت‌های کلان توسط عده‌قلیلی از اشخاص یا مقاماتی که به واسطه بهره‌مندی و بعضاً بهره‌مندی از قدرت سیاسی یا ارتباط با مقامات سیاسی و نیز با سوء استفاده از منابع اطلاعاتی و سیاسی و اقتصادی و طرق مختلف دیگر دارای امکان و موقعیت تحصیل ثروت نامشروع از اموال عمومی یا دولتی یا از فرصت‌های غیرقانونی و تبعیض آمیز می‌باشد. جرایم اقتصادی در قوانین فعلی کشورها در قوانین زیر احصاء می‌شود: قانون مجازات اخلال‌گران نظام اقتصادی کشور، قانون نحوه اجرای اصل ۴۹ قانون اساسی، قانون ممنوعیت اخذ پورسانت در معاملات خارجی، قانون مجازات تبانی در معاملات دولتی، مقررات جزایی قانون دیوان محاسبات،



قانون تشدید مجازات مرتکبین ارتشاء و اختلاس (مصوب ۷۵)، قانون تشدید مجازات جاعلین اسکناس و واردکنندگان و توزیع کنندگان و مصرف کنندگان اسکناس مجعول، قانون مجازات مرتکبین قاچاق، قانون تعزیرات حکومتی و نهایتاً مواد ۵۸۸ تا ۵۹۷ قانون مجازات اسلامی (مصوب ۷۵) قوانین احصاء کننده جرایم اقتصادی می باشند. با نگاهی اجمالی به مفاد قوانین حقوقی به راحتی می توان دریافت که در حال حاضر، برخی مفاسد اقتصادی حاضر نظیر استفاده از رانت های اطلاعاتی و پول شویی و امثالهم با قوانین جزایی موجود قابل تعقیب کیفری نیستند و این امر با توجه به اصل حقوقی «قانونی بودن جرم و مجازات» دست مردان قضا را در برخورد با مفسدان اقتصادی بسته است از این رو به نظر می رسد که قوه مقننه باید هرچه سریع تر با توجه به مقتضیات روز، قوانین جزایی جامعی را برای برخورد با مفسدین اقتصادی در موارد خلأهای قانونی به تصویب برساند.

منابع و ماخذ

- ۱- بانک مرکزی مجله علمی - تخصصی روند شماره‌های ۳۶ و ۳۷ اسفندماه ۱۳۸۱ تهران.
- ۲- حبیبی نادر فساد اداری عوامل مؤثر و روشهای مبارزه با فساد مؤسسه فرهنگی انتشارات وثقی تهران ۱۳۷۵.
- ۳- روزبهان ، محمود ، مبانی توسعه اقتصادی انتشارات تابان چاپ ششم تهران ۱۳۸۱ .
- ۴- سازمان مدیریت و برنامه ریزی کشور مرکز مدارک اقتصادی - اجتماعی و انتشارات قانون بودجه سنواتی کشور در سال های مختلف
- ۵- سازمان مدیریت و برنامه ریزی کشور " قانون برنامه چهارم توسعه اقتصادی ، اجتماعی جمهوری اسلامی ایران (۱۳۸۴-۱۳۸۸)"
- ۶- فرجادی ، غلامعلی ، اقتصاددانان بزرگ قبل از کینز ، انتشارات وثقی تهران ۱۳۵۷ .
- ۷- فرجادی ، غلامعلی ، ظهور و افول علم اقتصاد توسعه مجله برنامه و توسعه شماره ۹ بهار ۱۳۶۶
- ۸- فرهنگ ، منوچهر ، اقتصاد معاصر ، رشد ، بحران و استراتژیهای اقتصادی انتشارات سروش تهران ۱۳۷۶ .
- ۹- قدیری اصلی ، باقر ، سیراندیشه اقتصادی انتشارات دانشگاه تهران چاپ نهم ۱۳۷۶ .
- ۱۰- م - سوادگر ، اقتصاددانان کلاسیک و نظریه ارزش انتشارات افست چاپ دوم ۱۳۵۷ ، تهران .
- ۱۱- نصیری ، حسین ، توسعه پایدار چشم انداز جهان سوم انتشارات فرهنگ و اندیشه چاپ اول تهران ۱۳۷۹ .
- ۱۲- گلدوزیان. ایرج، بررسی تعریف جرم محاربه و افساد فی الارض در فقه و حقوق ۱۳۹۲.



کتابخانه مجلس شورای اسلامی
ISLAMIC CONSULTATIVE ASSEMBLY OF IRAN

فصلنامه مطالعات زمین باغی - دوره دوم، شماره دوم، بهار ۱۳۹۸

۱۵۸

- ۱۳- شامبیاتی، دکتر هوشنگ، حقوق کیفری اختصاصی، جلد سوم (جرائم بر ضد مصالح عمومی کشور)، تهران، انتشارات مجد، ۱۳۸۸.
- ۱۴- نعنکار، مهدی، افساد فی الارض در فقه و حقوق موضوعه، انتشارات مرسل، ۱۳۷۷.
- ۱۵- بای، حسینعلی، مقاله افساد فی الارض چیست؟ مفسد فی الارض کیست؟
- ۱۶- حبیب زاده، محمد جعفر، محاربه و افساد فی الارض در حقوق جزای اسلام، انتشارات کیهان، زمستان ۱۳۷۰.
- ۱۷- بابایی، محمدعلی؛ انصاری، اسماعیل، تحلیل هزینه های جرم، نامه مفید، زمستان ۱۳۹۱، شماره ۹۴
- ۱۸- پژوهان، جمشید؛ مداح، مجید، بررسی اقتصادی قاچاق در ایران، پژوهشنامه اقتصادی، بهار ۱۳۸۵، شماره ۲۰
- ۱۹- کلی، کیاندرخت، مقاله نظام اداری و قاچاق کالا؛ ار علت شناسی تا راه کارهای پیشگیرانه، فصلنامه مطالعات پیشگیری از جرم، سال پنجم، شماره چهاردهم، بهار، ۱۳۸۹
- ۲۰- جفره، منوچهر، مقاله نقش دو گانه سیاست های بازرگانی خارجی و واکنش های اجتماعی قانونی در برابر پدیده قاچاق، مجله سیاسی - اقتصادی، شماره ۲۳۱-۲۳۲